خبر

حضور پررنگ میوه‌های خارجی در بازار با وجود ممنوعیت واردات

■ **ایسنا:** با توجه بـه اینکه ۳۱ اردیبهشـت آخرین مهلـت واردات میوه بـوده و بر این اسـاس از آن تاریخ بـه بعد هیچ میوه خارجی به جز موز نباید وارد کشـور می‌شد، ولی همچنان در میوه‌فروشی‌ها و حتی سر میز افطار دستگاه‌های دولتی شاهد میوه‌های لوکس خارجی هستیم. اینجاست که این سوال به اذهان متبادر می‌شود که آیا این میوه‌ها وارداتی قاچاق هستند یا اینکه داستان چیز دیگری است. این روزها در بازار، انواع و اقسام میوه‌ها از خربـزه و پاپایای امارات و تایلنـد به‌عنوان گران‌ترین میوه‌های وارداتی در سـال گرفته تا زغال‌اخته امارات و آذربایجان یاانگور آفریقایی، انبه، تمبرهندی، لیموشیرین و نارنگی و همین‌طور سیب شـیلی و فرانسوی، گریپ فـروت ترکیـه و گلابی چینـی چشـم‌ها را می‌نوازند. کارشناسـان معتقدند میوه‌های لوکـس و پرزرق‌وبرق خارجی گرچه ظاهری خوشایند و مشتری‌پسند دارند، اما تیشه‌ای که به ریشه تولید می‌زنند، زخم عمیقی دارد که سـال‌ها مداوا نخواهد شد. در شرایطی که در فصول مختلف سال شاهد عرضه گسترده میوه‌های خارجی در سـطح بازار هستیم، مسوولان اعلام می‌کنند به واسطه ممنوعیت واردات، هیچ میوه خارجی به صورت رسـمی و از مبادی قانونی وارد کشـور نمی‌شـود و از سـویی با توجه به خراب شدن سـریع میوه‌ها و نیاز به تجهیزات و امکانات خاص سـردخانه‌ای برای حمل، امکان واردات آن به هر صورتی وجود ندارد. آناناس، گلابی هندی، انبه، گریپ‌فروت و لیمو و لیموترش از جمله میوه‌هایی هستند که واردات آنها به کشور در سال‌جاری متوقف شده است. آمار گمرک ایران حاکی از آن است که واردات انواع میوه به کشـور طی دو ماه نخست سال‌جاری نسبت به مدت مشـابه در سـال قبل کاهش ۱۸درصدی داشته است. رییس اتحادیه میوه و سبزی‌فروشان درباره واردات انواع میوه‌ها با توجه به ممنوعیت آنها به ایسنا گفت: مرزهای طولانـی‌ای داریم که در آنها اجناس تبادل می‌شـود و با توجه به اینکه کنترل مرزها مشـکل اسـت، بنابراین ورود برخـی اجنـاس و از جمله برخی میوه‌ها به صورت غیرقانونی انجام می‌شود. حسین مهاجران افزود: در حال حاضر میوه‌هایی مثل سیب شیلی و فرانسوی، گریپ‌فروت ترکیه و گلابی چینی در بازار وجود دارد. به گفته وی، انبه نیز به مقدار کم و آن‌هم در چابهار تولید می‌شـود، ولی جوابگوی نیاز کشور نیست و از پاکستان و هندوستان وارد می‌شود که مجوز ورود نداشته و قاچاق است. در این میان گفته می‌شود که واردات قانونی انبه توسط مرزنشینانی انجام می‌شود که وضعیت مالی خوبی نداشته و به همین دلیل به این دسته از افراد اجازه داده شده با دریافت مجوز و انجام مراحل قانونی هر نفر تقریبا ۱۵۰کیلوگرم انبه وارد کشـور کرده و به فروش برسانند. این در حالی است که آبان سـال ۱۳۸۹ وزیر جهادکشـاورزی تاکید کرده بود پس از به پایان رسیدن تمام ثبت و سفارش‌هایی که قبلا انجام شده است، دیگر شاهد حضور محصولاتی همچون گلابی چینی، انگور شیلی و سیب فرانسوی نخواهیم بود، اما با گذشت ماه‌ها از این موضوع همچنان شاهد حضور و عرضه این میوه‌ها در بازار هستیم که به گفته خلیلیان، واردات آنها با قیمت گران توجیه اقتصادی ندارد و اگر هم وارد شده، تخلف شده است.

بررسی راهکارهای تحقق «اقتصاد مقاومتی» در کمیسیون ویژه

■ **فارس:** نماینده مردم اصفهان در مجلس از بررسـی راهکارهای تحقق «اقتصاد مقاومتی» در کمیسیون ویژه حمایـت از تولید ملی خبـر داد. «حمیدرضا فولادگر» نماینده مردم اصفهان در مجلس اظهار داشت: کمیسیون ویژه‌ای تحت عنوان کمیسـیون حمایت از تولید ملی و نظارت بر اجرای سیاست‌های اصل۴۴ در مجلس شکل گرفته اسـت. وی با اشاره به تاکید رهبر انقلاب به بحث اقتصاد مقاومتـی افزود: رهبر انقلاب در سـخنان خود مصداق‌های اقتصاد مقاومتی را مطرح فرمودند که حمایت از تولیـد ملی و مردمی کردن اقتصاد و به میدان آوردن بخش خصوصی جزو شـاخص‌های اقتصاد مقاومتی از سوی ایشان مطرح شد. فولادگر اضافه کرد: امیدواریم که بتوانیم با فعالیت این کمیسیون ویژه، مجلس نقش ویژه خود را در بخش اقتصاد مقاومتی ایفا کند.

پیشنهاد افزایش وام ساخت و خرید مسکن به بانک مرکزی

■ **فـارس:** رییـس اداره کل طـرح و برنامه بانک مسـکن با بیان اینکه پیشنهاد افزایش وام ساخت و خرید مسکن را به بانک مرکزی دادیم که تاکنون منجر به نتیجه نشده است، گفت: وام ۲۰میلیونی خرید مسکن در خوشـبینانه‌ترین حالت ۲۰ الی ۳۰درصد قیمت در تهران را پوشش می‌دهد.

«تـادر قاسـمی» در پاسـخ به این سـوال که بانک مسکن پیشـنهاد افزایش وام سـاخت را از ۳۰میلیون‌تومـان بـه ۴۰میلیون‌تومـان به بانک مرکـزی داده بـود و حـال این پیشـنهاد در چه مرحله‌ای است، افزود: پیشنهاد افزایش وام ساخت مسـکن را به بانک مرکزی ارایه کردیم که تاکنون منجر به نتیجه نشـده است. رییس اداره کل طرح و برنامه بانک مسکن در پاسخ به این سوال که آیا وام خرید ۲۰میلیونی فکر می‌کنید کفاف خرید یک واحد مسکونی ۷۰متری در تهران را بدهد، گفت: در حال حاضر من فکر می‌کنم اگر یک واحد مسکونی ۷۰متری با متری میانگین دومیلیون‌تومان در نظر بگیرید، باید ۱۴۰میلیون‌تومان پرداخت کنید.

وی افزود: فکر می‌کنم وام ۲۰میلیون‌تومانی در خوشبینانه‌ترین حالت ۲۰ الی ۳۰درصد قیمت یک واحد مسکونی در تهران را پوشش دهد.

نماینده پارلمان نروژ در گفت‌وگو با «شرق»:

دست به پول نفت نمی‌زنیم

مهدی دل‌روشـن: کشوری در غرب شـبه جزیره اسکاندیناوی؛ سرزمین واکینگ‌ها. اینجا نروژ است. جایی که نفت هست اما در اقتصاد ملی، خبری از آن نیست! جالب است که بدانید، نرخ تورم در این کشـور، منفی ۵صدم‌درصد است! نروژی‌ها، نفت دارند اما خود را آلوده نفت نکرده‌اند! هنوز به «کرون» وفادار مانده‌اند و پای سند ورود به اتحادیه یورو را، امضا نکرده‌اند.

آنها یکی از باکیفیت‌ترین و مطلوب‌ترین چاه‌های طلای سیاه را در اختیار دارند. پول نفت را اما خرج واردات محصولات چینی نمی‌کنند؛ حسـاب دارند. پول را به حساب صندوق بازنشستگی می‌ریزند و دولت، کاری به کارش ندارد.

جمعیت نروژی‌ها، سر جمع به پنج‌میلیون نفر هم نمی‌رسد اما سطح زندگی آنقدر بالاسـت که آرزوی هرکسی است که در «اسـلو»، زندگـی کند. تازه باید این نکتـه را هم اضافه کنم که ۷۰درصد خاک این کشـور، به علت سوز سرما، غیرقابل سکونت است. اقتصاد، اما گرم اسـت. گوشت، ماهی و فرآورده‌های دامی و در کنار اینها، الوار و سـنگ آهن، مهم‌ترین کالاهای صادراتی واکینگ‌هـا را تشـکیل می‌دهند. آنقـدر در صنعـت دریایی و کشاورزی، خود را بالا کشیده‌اند که احتیاجی به روزانه سه‌میلیون بشکه صادرات نفت ندارند.

با این حال زمین برای کشـاورزی آنقدر پروپیمان نیست اما دولت درسـت و حسابی هوای کشـاورز و دامدار را دارد و یارانه بسـیار خوبی را برای تولید لبنیات و علوفه به حساب آنها، واریز می‌کند. دست‌هایشـان در دریا نیز، پر است؛ سه نوع ماهی دارند که هیچ جای دنیا ندارد.

صنعت نفت حدود یک‌چهـارم از تولید ناخالص داخلی این کشور را تشکیل می‌دهد و این کشور چهارمین درآمد سرانه بالا در جهان را دارا است. نروژ از الگوی کشورهای رفاه‌محور شمال اروپا پیروی می‌کند و در ازای دریافت مالیات‌های سنگین از شهروندان، دولت به آنها بیمه درمانی همگانی اعطا می‌کند، به آموزش عالی یارانه می‌دهد؛ در این کشـور نظام فراگیر تامین اجتماعی وجود دارد. از سـال ۲۰۰۱ تا ۲۰۰۶ و سـپس دوباره از سال ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۱، نروژ بالاترین شاخص توسعه انسانی در جهان را تصاحب کرده است. تا اینجای کار حتما متوجه شده‌اید که نروژی‌ها، برای اقتصادهای نفتی، دانشـگاهی محسوب می‌شوند. باید سرکلاس اقتصاد ملی آنها رفت و درس گرفت. مثل ما، نفت دارند اما آنقدر که ما شده‌ایم، «نفتی» نشده‌اند!

وقتی خواسـتم تا اوضاع اقتصـاد آنها را بررسـی کنم، قرار مصاحبه را با اِوا کریستین هانسـن (Eva Kristin Hansen) ۳۹ساله گذاشتم؛ او نماینده پارلمان نروژ و یکی از اعضای حزب کار اسـت. بدون معطلی می‌رویم سـراغ گفت‌وگوی اختصاصی «هانسن» با روزنامه «شرق».

بگذارید اولین سوالم نفتی باشد؛ فکر نمی‌کنید، زمان آن فرارسیده که نروژ به سازمان اوپک، ملحق شود؟

نروژ، هیچ برنامه‌ای برای پیوستن به اوپک ندارد؛ از سوی دیگر اما دولت نروژ در نظر دارد برای رسـیدن به یک بازار نفت و گاز کارآمد، بسـیار کاربردی و توسعه محور، تلاش کند و دیپلماسی انرژی را بین کشورهای تولیدکننده و مصرف کننده، تقویت کند.

درآمد سـرانه نفت نروژ، تقریبا ۱۵ برابر ایران است. این موضوع، نشان می‌دهد که کشور شما ظاهرا (در مقابل ایران) از نوسانات قیمت نفت، بسیار آسیب‌پذیرتر است. اما آمارها، چیز دیگـری می‌گویند، چراکه تورم سـال‌های اخیر (منفی ۰/۵درصد) در نروژ تغییری نداشـته اسـت. آیا شـما با نفت معجزه‌می‌کنید؟

کشف منابع نفت و گاز، اقتصاد نروژ را از سال ۱۹۷۰ به شدت تحت‌تاثیـر خود قرار داد. آن اوایل این موضوع که بخش اعظمی از درآمد کشور توسط نفت تامین شود، به رسمیت شناخته شد. اما این عادت نامطلوب، حتی توسـط مـردم، مورد اعتراض واقع شد چراکه همه فهمیدند استخراج یک منبع تجدیدناپذیر (نفت) برای اقتصاد، مُضر اسـت. بر این اسـاس، برای اطمینان از تعادل بلندمدت در اقتصاد که خیلی هم مهم بود، محدود کردن استفاده از درآمدهای نفتی دولت، در دستور کار قرار گرفت.

صندوق بازنشستگی دولت نروژ به عنوان یک ابزار برای اِعمال سیاسـت‌های بلندمدت مالی و توقف تدریجی کسب درآمدهای نفتی در سـال ۱۹۹۰ تاسیس شد؛ سیاست‌های مالی کشور این طور بود که در طول زمان استفاده از درآمد نفت باید به چهاردرصد از موجودی صندوق، محدود می‌شـد. راهی که بودجه‌ریزی ملی مشـخص کرد این بـود که ذخایر صندوق ما به‌طور سـالانه در آموزش‌وپرورش، نوآوری، مراقبت‌های بهداشـتی، زیرسـاخت‌ها و بخش‌های دیگری از سیسـتم رفاهی ما، خرج شود. همچنین، بخشی از درآمد نیز که در بودجه ملی ردیفی نداشت در بخش‌های اعلام شده توسط صندوق، سرمایه‌گذاری می‌شد.

در نتیجـه، ثروت و سـرمایه (Capital) دولت به یک نوع سرمایه‌گذاری (investment) تبدیل شد. این کار، وابستگی و ضرر و زیان حاصل از تحولات قیمت نفت و گاز را کمتر و کمتر کرد. از سـوی دیگر، با توجه به نگاه طولانی‌مدت به این سیاست مالی و مدیریت خوب صندوق، این اطمینان حاصل شد که همه نسل‌های نروژ از درآمد نفت بهره‌مند می‌شوند.

قضیه جالب شد؛ حالا به من بگویید که کشور شما با پول حاصل از درآمد نفت، چه‌کار می‌کند؟

هـدف ما، خرج کردن ثروت به صورت عاقلانه اسـت. انتقال ثـروت از منابع نفتی نـروژ (در زیر زمین) به دارایی‌های خارجی که توسط صندوق بازنشستگی دولت، سرمایه‌گذاری می‌شود به دولت کمک می‌کند تا تنوع و گوناگونی ثروت نفتی دولت بهبود پیدا کند.

گـردش (ورودی) صندوق عبارت اسـت از تمام درآمدهای نفتی دولت، خالص معاملات مالی مربوط به فعالیت‌های صنعت نفت و همچنین بازگشت سرمایه‌گذاری‌های صندوق.

گردش مالی (خروجی) از این صندوق نیز این‌گونه اسـت که فقط مبلغ مورد نیاز برای پوشـش کسری بودجه غیرنفتی، قابل دسترسی است. این به معنای آن است که صندوق به طور کامل با بودجه دولت، هماهنگی دارد و تخصیص خالص پول به صندوق، منعکس‌کننده کل مازاد بودجه (شامل درآمد نفت خام) است.

سیاست‌های مالی که تنظیم‌کننده گردش خروجی صندوق است، در راهنمای سیاسـت‌های مالی، مشخص شده است. این راهنما می‌گوید که با گذشت زمان، استفاده از درآمد نفت، فقط تا سقف چهاردرصد مجاز است. این امر تضمین‌کننده کاهش انواع ریسک‌های مالی است و کمک می‌کند تا اقتصاد غیرنفتی داخلی از نوسانات قیمت نفت در امان باشد.

چرا اقتصاد نروژ به نفت وابسته نیست؟

اکتشاف و تولید منابع نفت در فلات قاره نروژ تا به حال تاثیر عمده‌ای بر اقتصاد نروژ داشـته اسـت. سهم بخش نفت از تولید ناخالص داخلی نروژ، در حال حاضر به بیش از ۲۰درصد می‌رسد. این رقم برابر است با نزدیک به نیمی از کل صادرات، یک چهارم از کل درآمد دولت و یک چهارم از کل سرمایه‌گذاری‌ها.

بخش نفـت به ما یک فرصت منحصر به فرد برای توسـعه یک نظام رفاه اجتماعی قدرتمند هدیه کرده اسـت. با این حال، ما سدی روی گذران و مخارج جاری گذاشته‌ایم تا با چهاردرصد بازده واقعی از صندوق، نسل‌های آینده نیز از این نوع صرفه‌جویی بهره‌مند شوند. این عملکرد به ما کمک می‌کند تا اقتصاد ملی به نفت وابسته نباشد و از نوسانات آن آسیب نبینند.

نـروژ یکـی از پاک‌تریـن اقتصادهای جهان اسـت. بُعد نظارتی در کشور شما چگونه است؟

ما فکر می‌کنیم که نروژ یک تعادل خوب میان اقتصاد بازار و مقررات دولتی پیدا کرده است همچنین داشتن سیستمی که به نام مدل «نروژی» نام‌گذاری شـده است. این مدل در سه بخش مختلف تعریف شده است که آن را توضیح می‌دهم.

بخـش اول: یک مدل اقتصادی مختلط که بخش خصوصی در آن حاکم اسـت اما با نقش و نظارت گسـترده دولت و بخش عمومی، همراه است.

بخـش دوم: مدلی رفاهی کـه در آن دولت در تامین مالی و سـازماندهی مزایای رفاهی تا حد بیشتری نسبت به بسیاری از کشورهای دیگر دخیل است. این سیستمی جهانی است که هر شـهروندی را تحت پوشـش قرار می‌دهد و از طریق درآمدهای حاصل از مالیات، از او حمایت مالی می‌کند.

بخش سـوم: مدلی است که به بازار کار و همکاری سه‌جانبه بین اتحادیه‌ها، کارفرمایان و دولت مربوط است که نفوذ بالایی در حیات سیاسی دارد. این هسته اصلی مدلی است که دربرگیرنده نرخ اشتغال بالا (شامل زنان)، رفاه برای همه شهروندان و بازار کار سازمان‌یافته‌است.

در عین حال، نروژ با آرمان‌هایی والا از برابری، شخصیت یافته است. نتیجه این است که در جامعه ما، امنیت اجتماعی برای همه، مراقبت‌های بهداشتی رایگان برای همه، آموزش‌وپرورش رایگان برای همه، برابری جنسیتی، تفاوت دستمزد ناچیز و در نهایت نرخ بالای مالیات برای تامین مالی سیستم رفاهی، نهادینه شده است.

بیشتر کشورهای نفتی به اقتصادهایی مصرف‌گرا تبدیل شـده اسـت، اما نروژ نمونه بارز یک اقتصاد مولد اسـت. چه روش‌هایی را به کار بستید که به این نقطه رسیدید؟

سیاست اقتصادی باید پایدار، با انگیزه و چشم‌انداز بلندمدت باشد. دسـتورالعمل‌ها و سیاسـت‌های مالی (صرف تنها حدود چهاردرصـد بازدهی واقعی از صندوق) ایـن اطمینان را حاصل می‌کنـد که جوانان امروز و نسـل‌های آینده نیـز از درآمد نفت بهره‌مند می‌شوند. خط‌مشی سیاست‌های مالی اجازه می‌دهد برای ایجاد ثبات در توسعه اقتصادی، اقدام کنیم تا زیرساخت‌های بخش غیرنفتی اقتصاد تقویت شود.

مدتـی پیـش در مصاحبـه‌ای کـه بـا جیووانـی پیتلا، (نایب‌رییس پارلمان اروپا) داشـتم، به من گفت کاپیتالیسم (سـرمایه‌داری) وحشی و سرکش شده است. آیا شما هم این مساله را قبول دارید؟ چرا؟

اقتصاد بازار می‌تواند خلاقیت و ثروت ایجاد کند اما زیربنای بازار را نمی‌توان به سـمت «چپ و راست» هدایت کرد. نمایش بحـران مالی اخیر نشـان داد کـه چگونه ثبات ذاتـی بازارهای مختلف می‌تواند به راحتی توسـط قوانین و مقررات نامناسب به بحران کشـیده شود. بازار ممکن اسـت بیش از حد خلاق باشد و در خدمت منافع خود، اما کاری برای منافع جامعه نمی‌کند. از جمله درس‌های کلیدی این بحران این است که نهادهای مالی- بین‌المللی بیش از حد قوی که ریسک و مدیریت ضعیف نقدینگی را در نظر نمی‌گیرند چگونه به درد سر می‌افتند.

عـلاوه بر این، ضعـف، تناقـض و حتی گاهی اوقـات نبود مقررات در بسیاری از کشـورها اجازه داده رفتاری غیرمسوولانه به اتفاق خطرناکی در حوزه اقتصاد منجر شـود. مثال قابل توجه از این مقررات، بازار بدون پشتوانه ایالات متحده (چاپ دلار بدون پشتیبانی طلا) است که خطرآفرین و در نهایت به بی‌ثباتی کل سیستم مالی جهانی منجر شد به طوری که نسخه فعلی بحران در بازارهای مالی و در واقع در سـطح بین‌المللی از سیاست‌های داخلی نشأت می‌گیرد. مشکل و حتی شایعات مربوط به مشکلات، در یک گوشـه‌ای از نظام جهانی به راحتی می‌تواند باعث سرایت در سراسر سیستم‌های اقتصادی دنیا شود. جلوگیری از فراگیری بحران فقط از طریق بسـتن خلأهای نظارتی میسر است و برای اطمینان از اینکه تمام بخش‌های مالی، واکسینه شده باید به اندازه کافی مقررات داشت و بُعد نظارتی را تقویت کرد.

با تمام این تفاسیر، من جواب سوالم را نگرفتم. بگذارید سوالم را این‌گونه مطرح کنم که اصلا قبول دارید کاپیتالیسم و لیبرالیسم به پایان راه رسیده‌اند؟

من فکر نمی‌کنم کاپیتالیسم به پایان راه رسیده باشد. اما من فکر می‌کنم نیاز به یک بررسـی در میان سیاستمداران و مردم در سراسر جهان وجود دارد تا جنبه‌های منفی آن (کاپیتالیسم) شناسایی شود. بحران مالی بین‌المللی، شکست بزرگ نظارت بر سیستم مالی کشورهای مختلف را نشان داده است. نقاط ضعف در مدیریت ریسک موسسات مالی، کاملا عیان شده است. مقررات ناکافی و حتی عدم وجود مقررات از عوامل مهم پشـت سر این بحران است. ما نیازمند روش‌هایی بهبودیافته برای نظارت بر ثبات مالی هستیم. باز هم می‌گویم که باید این اطمینان حاصل شود که تمام بخش‌های مالی تحت پوشش مقررات مربوطه است.

شـما فکر می‌کنید آخر و عاقبت منطقه یورو چه خواهد شد؟ آیا یورو در سراشیبی سقوط افتاده است؟

اقتصاد جهانی و بازارهای مالی بین‌المللی هنوز هم از شوک مربوط به بحران مالی دچار اختلال هستند. بسیاری از کشورهای اروپایی در طول زمان، پولی بیش از حد مجاز خرج کرده‌اند و در حال حاضر با چالش‌های بسـیار دشـواری در کاهش هزینه‌ها و ایجاد اصلاحات مواجه شـده‌اند. این کار مستلزم گذر زمان است که همه این اقتصادها به راه گذشته بازگردند و حساب‌شده عمل کنند. بنابراین هزینه‌های بلند بالا می‌تواند رشد در آینده را تهدید کند. از این رو، رشـد اقتصـادی و ثبات مالی به وجود اطمینانی بزرگ منوط است. بنابراین بسیار دشوار است که پیش‌بینی کنیم طی هفته‌های آینده، ماه‌ها و حتی سال‌ها چه بر سر منطقه یورو خواهد آمد.

قبول دارید که یک جنگ جهانی اقتصادی در دنیا وجود دارد؟

من فکر نمی‌کنم جنگی اقتصادی در ابعاد جهانی وجود داشته باشـد، اما واقعا مهم است که با همکاری میان دولت‌ها، مقرراتی قوی برای تمامی بخش‌های مالی وجود داشته باشد.

پس شما هم به این نتیجه رسیده‌اید که اتحادیه اروپا نیاز به یک بازتعریف سیاسی - اقتصادی دارد؟

در سال گذشته یک مشکل برای اروپا وجود داشت. ما هنوز در میانه بحرانی هستیم که در سال ۲۰۰۸ به اقتصاد جهانی ضربه زد. این بحران در حال عبور از فازهای مختلف همراه پیامدهای بزرگ اقتصادی، اجتماعی و سیاسی است. در واقع ما شاهد یک مرحله از تستینگ همکاری در بین کشورهای اروپایی هستیم و آنها در واقع مرحله آزمایش در همکاری را پشت سر می‌گذارند. ما اتحادیه اروپایی را می‌بینیم که دستور کارش تحت سلطه بسته‌های بحران اسـت. دو موضوع خاصی که علت بروز نگرانی هسـتند، این دو موردند: در مرحله اول سـطح رو به افزایش بیکاری اسـت. دوم، فشار این بحران و عواقب آن روی سطح اعتماد به نفس مردم در مواجهه با دموکراسـی در تک‌تک کشورها و سراسر اروپاست. از بسیاری جهات، ما در حال نزدیک شدن به یک سه‌راهی مهم در اروپا به عنوان نتیجه‌ای حاصل از بحران‌های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی هستیم. چگونگی و گستره وضعیت کنونی، آینده اروپا را تعیین خواهد کرد. فقط با امیدواری است که می‌توان رشد، رفاه، امید و اعتماد را ترمیم کرد و اشتغال را افزایش داد.

پس مردم نروژ، این روزهای بحران اتحادیه را دیده بودند که به همه‌پرسی «عضویت در اتحادیه اروپا» دست زدند؟

دلایـل بسـیاری وجود دارد که چرا بیشـتر مـردم نروژ، به عضویـت در اتحادیه اروپا رای منفی دادند. اسـتدلال‌های اصلی به سـال ۱۹۹۴ بازمی‌گردد که ریشـه در دموکراسـی‌خواهی و آزادی‌طلبی مردم داشت. نروژی‌ها دوست داشتند به عنوان یک کشور کوچک، عضوی از جامعه اروپا باشند. استدلال دیگر به نقش کشاورزی، نقش نروژ در سـازمان ملل متحد، حقوق کارگران و مسایل اقتصادی برمی‌گشت.

نروژ دارای یک نظام سیاسی چندحزبی است، این موضوع چقدر در موفقیت‌های اقتصادی نروژ موثر بوده است؟

نظـام حکومتـی چندحزبی و مـدل نروژی، پایه و اسـاس دموکراسی ما هستند. من ایمان دارم مدل نروژی همان‌طور که در پاسخ سوال پنجم توضیح دادم، کلید موفقیت اقتصادی نروژ محسوب می‌شود.

آیا در پایان سـال ۲۰۱۲، بحران مالی جهان، تمام خواهد شد؟ چگونه؟

رشـد اقتصادی و ثبات مالی منوط بـه وجود یک اطمینان بزرگ است. برای برخی از کشورها، بحران مالی به بروز مشکلات شـدیدی در اقتصاد داخلی و چالش‌های عمده بودجه‌ای منجر شـده است. اقتصاد بسیاری از آنها هنوز هم نیازمند یک محرک و حمایت همه‌جانبه اسـت. این غیرممکن اسـت که بگوییم در پایان سال ۲۰۱۲ چه خواهد شد، اما امیدوارم اقتصاد بتواند ثبات و اصلاحـات لازم را تحمل کرده، رشـد دوباره به صحنه اقتصاد بازگردد و مردم دوباره بتوانند کاری پیدا کنند.

ایـران و نـروژ در حـوزه تخصصی صنعت نفـت چگونه می‌توانند به همدیگر کمک کنند؟

آینده، در گرو توسـعه در ایران اسـت، کشور ما می‌تواند در بخش‌هـای مختلف صنعـت نفت به‌طور مثـال فناوری، محیط‌زیست، حمایت و در چارچوب‌های بین‌المللی به کشور شما کمک کند.

گذر

شرط بانک مرکزی برای پرداخت تسهیلات صنعت خودرو

■ **ایسـنا:** در شـرایطی وزیر صنعت، معـدن و تجارت از خبرهای خوش برای خودروسازان و قطعه‌سازان خبر داده که طبق جدیدترین آمارهای رسمی منتشرشده، کاهش تولید خودرو در تیرماه به ۴۰درصد رسـیده است. از ابتدای امسال تبعات بحران نقدینگی خودروسازان و قطعه‌سازان نمایان شد؛ به‌گونه‌ای که تاکنـون حدود ۴۰درصد تولید خودرو کاهش یافته است. در این میان در دو ماه اخیر نیز اگرچه خودروسازان به دنبـال دریافت تسـهیلات ۲۰۰۰میلیاردتومانی مصوب کارگروه حمایت از تولید بودند، اما تاکنون تلاش‌هایشان به نتیجه نرسـیده است. در این شـرایط وزارت صنعت، معدن و تجـارت از خبر خوش این وزارتخانه برای خودروسـازان و قطعه‌سازان خبر داده است. طبق مطلب ارسالی این وزارتخانه «پس از روزها تلاش پیگیرانه وزیر صنعت، معدن و تجارت و برگزاری جلسـات متعدد با وزیر اقتصاد و رییس کل بانک مرکزی سرانجام امروز اولین نتایج این کوشش‌ها به بار نشسته و مهدی غضنفری از موافقت بانک مرکزی برای حل مشکل سرمایه در گردش واحدهای تولیدی» خبر داده است.

خبر ویژه

آغاز تولید آزمایشی سیلندر و سرسیلندر موتورهای کم‌مصرف

■ مهندس نجم‌الدین، مدیرعامل گروه صنعتی ایران‌خودرو از رونـد داخلی‌سـازی سـیلندر و سرسـیلندر موتورهای کم‌مصـرف و مدرن بازدید کـرد. وی در این دیدار جایگاه قوای محرکه در برنامه استراتژیک ایران‌خودرو را مهم ارزیابی کرد و گفت: تا سال ۹۵ سهم موتورهای کم‌مصرف در سبد محصـولات ایران‌خـودرو به ۹۰درصد می‌رسـد. مهندس نجم‌الدین از تولید آزمایشـی سـیلندر و سرسیلندر موتور تی.یـو.۵ در خطوط پیشـرفته و انعطاف‌پذیر این موتور به منظور کاهش ریسـک تامین قطعات اصلی آن خبر داد و گفـت: از این طریق منبع جدیـدی برای تامین این بخش از موتور ملی ای.اف.۷ نیز در درون ایران‌خودرو فراهم شـده که بـه‌زودی افتتاح خواهد شـد. مدیرعامل گروه صنعتی ایران‌خودرو افزود: به منظور استفاده حداکثر از قوای محرکه ملی روی محصولات تولیدی، برنامه تولید موتور ای.اف.۷ در سـال جاری ۱۷۰هزار دستگاه اسـت. وی نیاز بازار به قوای محرکه دارای فناوری بالا و مصرف سـوخت کم در کلاس کمتر از ۱/۴لیتر و قدرت ۸۰-۶۰ اسب بخار را عامل مهمی برای طراحی و توسـعه موتور ملی ۱۴۰۰ سی‌سی از سوی ایران‌خودرو عنوان کرد که در مراحل پایانی توسعه قرار دارد و با تولید آن از سال ۹۲ روی رانا نصب خواهد شد.